

ضمیمه

نبرد بلوچ



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات بلوچستان

(اتحاد زحمتکشان بلوچستان) * شماره ۳۹ تاریخ ۵۹/۶/۱۶ بهاء ۱۰ ریل

در بلوچستان چه میگذرد؟

در این گذرگاه متوجه‌های هنوز متوجه آن بختوانده‌ها و واقع گوشت دم‌تویی هستند که میتوانستند در سرکوب و مغایله‌ها مبارزات توده‌های بی‌خاسته و غیرمتوجه و سرروهای انقلابی و کمونیست مورد بهره‌برداری رژیم قرار گیرند. این همان روندی است که امروزه منتهی به جنبه حرکت عمومی جامعه ما را تسریع کرده و هرروزه اجزاء و مؤلفه‌های مختلف آن در سطحی سیاسی آماده‌تر گشته و کل جامعه را بسوی یک جنگ داخلی (روپا روشی قطب انقلاب و ارتجاع پسو میدهد. جنگی که نتیجه احتیاط بنا پذیر عمل کرده و تضادهای طبقاتی در درون جامعه ما بوده و هیات ها که تیز برای اعمال و تصادوم ها کسیت خویش ناگزیرا ز دست بازین میدان است.

تعمین سرکوب خویش بر سر سید بشا بد سلطنتی است و زور و ساق سنگر وجود هرگونه مسئله‌ای بنا مسئله ملی و خلفها ست. واقعات جا همه توه توده‌ها را بر سرمت بکناری میزند و رژیم هرروز توده‌های وسیعتری را در مقابل خویش می‌یابد. هیات ها که در مقابل به سلسا خواسته‌های حق توده‌ها و خلفها ی تحت ستمنا کزیر برای تشمت و اعمال جا کسیت ارتجاعی خویش چاره‌ای جز سرکوب و به خون کشیدن مبارزات آنان را ندارد. و

موتنه‌ای که در پیش روی شما قرار دارد، توسط نقای تشکیلات بلوچستان سازمان (اتحاد زحمتکشان بلوچستان) و در باره واقع و احوال سیاسی و اجتماعی بلوچستان تهیه شده است. این مقاله قبلا بمنسوان سیمه "سرد بلوچ" شماره ۳۹ در تاریخ ۵۹/۶/۱۶ منتشر برده است. اما بنا به ابعیتی که این نوشته از نظر سیاسی در شرایط عملی داشت، ما تصمیم گرفتیم، بنا بر نوشته را مجدداً و با اندکی تغییرات بسورت سیمه "پیکار" شماره ۳۹ نیز منتشر نماییم.

بلوچستان نیز علیرغم شرایط مشخص و ویژگیهای خویش از این روند عمومی مستثنی نیست. اما اینکه چگونه، بیروتکوین روند جنگ داخلی به مفهوم نسوق، در بلوچستان نیز بهمانند ما بر مناسط ایران خواهد بود یا نه، مسئله‌ای است که خود ویژگی شرایط این منطقه آن پاسخ میگوید. از اینرو قبل از آنکه به تاثیرات این خود ویژگی بر روند عمومی و سر حرکت منطقه میردا زیم، لازم است که به اهمیت روش این شرایط ویژه‌نگاه‌های اجمالی بیفکنیم:



در بلوچستان چه میگذرد؟

هر روز که میگذرد رژیم جمهوری اسلامی نتوانی و زمانندگی خود را در این سگوشی به مشکلات اساسی جامعه جانترو میسازد. بر سر توده‌ها و بهران همه جانبه اقتصادی و سر شنی اولنگد کوبی به حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی توده‌ها، جنبش توده‌ای با ما موزونی‌های خویش حرکت سمت مدرژیمی بخود گرفته و میگیرد. رژیم جمهوری اسلامی که خود نیز از درون دستخوش تضادهای سیاسی و قدرتمند ما کمپیا شده‌ها جز تراژدی آن است که خواسته‌های حق توده‌ها و خلفها ی تحت ستم‌پاس گوید رژیم جمهوری اسلامی خواست حقه خلقهای کسرد، رکن سلوچ و... را با کتلوه جواب میدهد. در مقابل مبارزات قهرمانانه خلق کرد در به‌ای جز تا تک، متوب بر خانم‌های وضع توده‌ها در دست ندارد. و این دیگر رای خلقهای تحت ستم‌پاس شده است که جنبش سیاسی تهنها قادر نیست حق مسلم آنها را دایر بر

الف. اوضاع و مختصات توده‌های خلق بلوچ

با حدت سیاسی و عمیقتر شدن بحرانهای داخلی نظام

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

نیورد بلوچ

تاریخ ۱۶/۹/۷۹

سرما بهداری وابسته و نا توانی رژیم جمهوری اسلامی از حل و پیمان بستن بدانشا هر روز نشا و گرانسی و بیگاری و نفوذ فلاکت بردهوش زمستان سنگینتری - شود. شونده های خلق بلوچ که روح شوملی - طبقاتی و اسالیبان مشادی بردوش کشیده است ، امروزه سز کماکان در سنگنه این شتم قرار داشته و حتی در اغلب مناطق در زیر بار بارهای روابط و مناسبات غلب - مانده و شوالی - عشیری به امراض و رصا تن وقت باری مشغولند . امروزه به جرات میتوان گفت که رژیم جمهوری اسلامی در میان توده های شتمیده بلوچ و چه و پایداری ندارد . این واقعیتی است که حتی خود رژیم و جیره خوارانش نیز بدان مترسند . بطوریکه ۲ هفته پیش هنگامیکه "میرطیم" به همراهی جهت رسیدگی به "انتیبت" منطقه آمده بود ، در یک معا حبه تلویزیونی مشکل اساسی منطقه را چنین بازگو میکند : "مشکل اساسی در این است که مردم همگاری نیکنند . " آری توده های شتمیده خلق بلوچ نه تنها از نظر مذهبی هیچگونه توهسی به رژیم ندارند بلکه مورج تا رفا پستی شدید در میان آنها نشا نگر سفر مسافران نسبت به رژیم جمهوری اسلامی است اما اگر بنا بر واقعی و عسدم توهیم توده های خلق بلوچ نسبت به رژیم کنونی سیاسی و اقتصادی است آشکارا در کنار آن مناسبات و اقمیست تلخی نیرو وجود دارد و آن سطح نازل آگاهی و عدم وجود جنبشهای وسیع خودی خودی در منطقه است از اینسور و غیره منشا رفا پستی و فتنار کشید و فاع همیشه در مجموع توده ها دجا ر نوعی باس و سرخوردگی صما شند (۱) .

توده های زحمتکش بلوچ کمتر بر این باورند که امکان غلامی از سر خوانین مزدور مولود لیلیا مرتجع رژیم خد خلقی برای آنان موجود است . این امر از یک طرف مولود ترا پی عقب ماندگی فرهنگی و روابیست و اجتناب حاکم بر منطقه است (که فقدان جنبشهای خود بخودی با اهمیت و مسا ر زات ملی توده ها از اسالیبان گذشته بر پی داشت) و از طرف دیگر به دلیل فقدان یک فطرت انقلابی در مقابل ارتجاع می باشد . توده های خلق بلوچ که پس از قیام از سطح آگاهی ناپی بر خوردار شدند ، به همان اندازه نیز قدر قدرتی رژیم حاکم و خواصین برایشان فروریخت و ملی عددهیوندا رگانیک کمونیستها با توده ها و ضعف قدرت آنها در منطقه باعث شد که سطح آگاهی توده ها در حداقل توجیهی ارتقاء نیابد . و آنان را همچنان در نوعی ناپا وری نسبت به امکان غلامی از سلطه فاشا و ارتجاع حاکم نگه دارد . با توجه به این واقعیت است که ضعف و عدم ارتسناط ارگانیک و وسیع نیروهای انقلابی و کمونیست بسا توده های زحمتکش مسئله را در آ وور نمی نماید . چرا که بنا بر واقعی شدمی توده های شتمیده بلوچ از رژیم جمهوری اسلامی با سطح نازل آگاهی و فرهنگ عقب مانده و رتیده در مقابل مناسبات عشیری - فئودالی عجب گفته است ، بملاوه پویشدگی نسبی انتسناط خوانین از توده های زحمتکش و وجود مسئله ملی تمام توده های خلق بلوچ با رژیم را بطور ملموس بر رتگتر ارتضا د آنان با خوانین جلوه داده است . و اینها آن زمینه سازی است که دست خوانین و شیرو هسای اپوزیسیون ارتجاعی را بازمیگذارد . تا در موقع مقتضی بر امواج این تا رفا پستی سوار شده و توده ها را وجه المامله

خوبش با رژیم حاکم قرار دهند . زمینه ای که با توجه به تفا دما بین رژیم حاکم و خوانین و دیگر شیرو هسای اپوزیسیون ارتجاعی جنگ داخلی بین فطرت انقلاب و ارتجاع را عمدتا از کاتال بین دو قطب ارتجاع (ارتجاع محلی و ارتجاع حاکم) در منطقه خواهد گذراند .

بخوانین و نقش آنان در منطقه

خوانین (۲) در این منطقه آن نیروهای شتمنده که با لقوه و با لقمه پایگاه امپریالیسم و گران را ن آن (بختیار ، مدنی و...) بشما و میروند . اینان در زمان رژیم سرسپرد بهلولی گذشته از آنکه به عنوان کارگران آن دردستگاه هور و کراسی (۳) از امکانات ملای فئودالی بر خوردار بودند به شیوه های دیگری نیز امکان کسب ثروت و چپاول دستر ج زحمتکشان بلوچ را داشتند . بطوریکه مجرا های کسب ثروت خوانین در این منطقه را در گذشته میتوان در موارد زیر برده بندی کرد :

الف - واسطی بین توده ها و ادارات دولتی و رشوه گیری از این طریق .
ب - واسطی بین قاچاقچیان و ادارات دولتی و کسب رشوه .

ج - انتسناط مستقیم هفتان در اراضی تحت مالکیت خویش (از آن جمله "محمدخان میر لاشاری" مالک "محمد آباد" "عمی خان سبارکی" مالک "عمی آباد" "کریم بخش سمیعی" مالک گرم بیست") .

د - به جاز گیری (نوعی مالیات گیری - البته میان مردم عادی شتمی بنام جاز گیری مثلا در میوه ها و جوده و دگنه در اینجا منظور نیست) (از توده های زحمتکش بلوچ (۴) .
ه - وسندرت شرکت مستقیم در سرما به گذاری در امراقا (۵) .

خوانین با حفظ روابط عشیری نفوذ و قدرت خود را بر توده ها تمیل میکردند . موقعیت اجتنابی آنان در طایفه ها (۶) و موقعیت سیاسی آنها در منطقه از یک طرف با حفظ و گسترش نفوذشان بر طوایف میگشت . و از طرف دیگر ففلاکتیای رومقب ماندگی ذهنی و ناپا آگاهی توده ها آنان را تحت نفوذ و سلطه خوانان که از قدرت هور و کراسی که می بر خوردار بودند میداشتند . مناسبات توده ها غیر مرقم تدا شتی تا پذیرش طبقاتی با خوانین به دلیل ناپا آگاهی شدم و خلا قدرت نیروهای انقلابی شتما ، منطقه گاه خویش را در منطقه هسین خوانین می یافتند و به روابط عشیری اجبارا احترام گذاشته و حتی در مواردی از روی ناپا آگاهی مفرط نسبت به این روابط شتم همتشان میدادند . این شرایط توده ها را وادار میکرد که شیوه های اداری خود را از کاتال و ماشورت خوانین اجتناب دهند و نتیجتا در سیستم گنمیده هور و کراسی محمرفا تا به خوانین به عنوان پارسی خود میگردند . سطح ستفوات رتدو تکامل نیروهای مولده در دونا حبه "سرح" و "مگران" مناسبات عشیری و فئودالی - عشیری را به همراه داشت و رشد هور و کراسی بر اساس شیوه های سرما بهداری وابسته هوسین گسترش امراقا و ناپا آگاهی توده ها باعث شد که این مناسبات در هم تنگ نشود . سرعت شکستن این مناسبات در اینجا که خوانین و سردارها قدرت هور و کراسی که داشته و مناسبات قاچاق رواج داشت . بسیار رتگتر بوده و عامل دیربازی آن نیز بشما رسی - رفت . برای نمونه میتوان گفت که در سرخه طبه طسنت

وست رواج قاچاق و همچنین قدرت هور و کراسی سردارها سخت جانی این مناسبات خود را بیشتر خشا . معاده ، اما در "سراوان" و "سراون" بران شهر که قاچاق رواج کمتری داشته و جوده آنکه خوانین نیز از قدرت هور و کراسی بر خوردار نبودند سرعت دگرگونی مناسبات فئودالی - عشیری بیشتر است (۷) خوانین در گذشته (و بالطبع در شرایط فعلی) دارای قدرت نظامی بودند و بعنوان هسار و هسکار رژیم بنا عمل میکردند ، و آنجایی که سرسپرد رژیم بنا نبودند از جانب رژیم تلافی در جهت خلق صلاح آنان صورت نمیگرفت ، اصولا خوانین به خاطر طریقت عشیری - فئودالی منطقه نیز جهت حفظ و نفوذ بر طوایف خویش راضی به غلبه صلاح نمی شدند ، چرا که اول مناسبات اجتماع می ما بهر طوایف به خاطر کسب قدرت و نفوذ بیشتر خاشا قدرتی نظامی را ایجاد میکردند و خاشا قدرتی و حفظ مناسبات حقوقی هرفان در چارچوب بقایای تفکسر عشیری - فئودالی و دفاع از این حقوق و در مواردی کسب مناسبات بیشتر از رژیم حاکم نیز از مناسبات قدرتی بود . خوانین بنا بر طوایف ت فوق و ما استفاده از شرایط مناسبات طبعه در منطقه همیشه مسلح بودند رژیم بنا نیز ضمن اینکه رگانهای نظامی خویش را مستقلا در منطقه داشت تا به تدریج راه کسب حاکمیت بر منطقه را کتار آمدن با آنان میدید . سرسپردگی خوانین به رژیم بنا در رابطه مناسبات بین ارگانهای نظامی سر منطقه و خاشا بوجهی آورد .

اما این امر مانع استفاده خوانین از قسودت نظامی و عشیری خویش جهت کسب مناسباتی بیشتر از رژیم نمیشد . پس از قیام بهمن ما ۵۷۰ با درهم شکستن بزرگ کراسی رژیم بنا خوانین اعتبار و نفوذ سیاسی فیلسو خود را در دستگاه هور و کراسی که سالها در زیر فشار اختناق و دیکتاتوری فاشیستی محمرفا شامی بودند بسا دگی نمی توانستند بنا بر رژیم قبلی را با زهمیدر ارگانهای حکومتی تحمل نمایند . بقدرت غریبه گسا جدید که سوار بر همین شورما بزازتی توده ها بودند ، نمی توانستند نسبت به خواستهای توده ها کمالی - اعتنا با خند و بنا چارمی با ستسبایی از عمل را با سابق منجمله عده ای از خوانین از قدرت کتار رگذا شته شوند . اما از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در مدتها بر پی سیمت سرما بهداری وابسته بود بلکه با شتم قوا در جهت حفظ و بزازتی این سیستم نسبی - کوشیدند تا کز بر حفظ بعضی از جیره خواران این سیستم را که برای حاکمیت خویش و بزازتی سیستم سرما بهداری وابسته لازم میدیدند نیز دستور کار خود قرار داد . نتیجتا خوانین نیز بعنوان کارگران و مدافعان این سیستم قدا در بودند به زندگی رالووا خویش ادامه دهند . از این جهت آنها علیرغم آنکه نفوذ و متسناط سیاسی - هور و کراسی خود را تا حدود زیادی از دست دادند ولی بطوریکه از زندگی انگلی و نفوذی توده ها محروم نگشتند . رژیم جمهوری اسلامی پس از قیام با زنجها که خوانین را با روهیمان خویش در موقوف توده ها مناسبات سنا بر ما هبت ارتجاعی شتمی از آنها رایبه عنوان نمایندگان مردم منطقه بر مسمت فشا خشمه و در

حرکت میکنند به تیروشی مذهبی همچون مولوی بهاسا و ملاهای مرتجع (حال از هر فرقه‌ای که باشد) برای تحصیل و سرکوب شده‌های خلق بلوچ نیا زمین و دیوار قدوت نسبی آنان در شقیق و سبج توده‌های ناآگاه فاکتور دیگری بود که رژیم نمی توانست آنرا در محاسبات خویش در نظر بگیرد. در هر حال مولویهای مرتجع در رژیم جمهوری اسلامی از احترام برخوردار میشوند و حتی مطابق لیست ادارات اوقاف برای حدود ۱۰۰۰ نفر از مولویهای منطقه ما ناه اعتباری صادر می‌شود. تومانی مقرر میگردد. با تمام این اوصاف علیرغم آنکه امتیازات فوق و حدت و جاهنگی عمل مولویهای مرتجع و خوانین را در بر خورده رژیم بدجا را اختلال ساخته و از برندگی مولویها در دفاع از منافع خوانین میکاهد (۱۷) ولی به هیچ وجه وحدت منافع آنان را به زیر سوال نمی کشد. چرا که اولاً بیوند نزدیک و تاریخی این مولویها و خوانین به این مادگی گسستی نیست و ثانیاً نیا تفا مولویها با سیاست انحصارگرا نه "حسب زب" جمهوری اسلامی در عمل قدرت مانورشان را محدود

مولویهای مرتجع پس اینکه به مشروعیت بخشیدن حاکمیت خوانین بر توده‌های زحمتکش بلوچ متفقین بودند و از این طریق مورد اعتمادی داشتند در همین حال بسیاری از آنان همچون "مولوی عبدالعزیز" و "مولوی قمرالدین" و... از جیره خواران ساواک نیز بودند بطور کلی گوش این خودمروختگان در حفظ و تثبیت روابط عشیرتی و قدرت خوانین ورژیم حاکم بود. پس از قیام شکوه مند قهرمانان خلیفای ایران از آنجا که مذهب دارای ارج و منزلتی ویژه گردید، مولویهای مرتجع هم اعتقاد دین فیس نویسی را در خود میآوردند و باره به آنان و نواشی رسیدند. بلافاصله پس از قیام مولویهای مرتجع به کمک امکانات تبلیغاتی خویش از قبیل مساجد، مدارس و مساجد نظیر خوانین میبردند. آنان توده‌ها را از تعرض بر علیه خوانین بر خورداشته و بیشتر ما ناه به دفاع از آنان می پرداختند. بطوریکه وقتی شاه جم دروغین و لفظی از طرف "بشیر بخاریان" (دادستان انقلاب اسلامی استان) و اساتیدار جزیری بر علیه خوانین شروع میشود "حزب اتحاد المسلمین" (۱۵) به

ارگانهای دولتی به آنان مسئولیتها می سپرد اعطاء نمود (۸) رژیم بر استیاری سیاست نرشی و ماشی با خوانین حتی به تبلیغ آنان پرداخت و در مواردی نیز بنا بر اراده آنها عمل کرد (۹) بهر حال خوانین که در گذشته از امکانات مادی فراوانی در دستگاه دولتی برخوردار بودند پس از قیام این امکانات و وسایل مسج کلان را تا حدودی از دست دادند. (۱۰) ولی آنچه مسلم است نه تنها شیوه‌های دیگر کسب ثروت خویش را از دست ندادند بلکه علاوه بر آن بجای گیری و راهزنی از شیوه‌های رایج خوانین بعد از قیام میگردند. بسیاری از خوانین مانند "بارکزیها"، "میرلانا ریها"، "سارکها"، "سعدیها"، "سردارزهیها" که در رابطه با بقایای روابط سلوک الطوائفی با یکدیگر تضادهاهاشی دارند و نیز بر سر نما بندگی مجلس و قسمت و سبقت منطفه‌ای با یکدیگر در رقابت بودند بعد از قیام به قول محور کب امتیازات از دست رفته گذشته از رژیم فطسی از یکطرف و مقابله با نیروهای متوقی منطفه از طرف دیگر بهم نزدیک شده و برای ایجاد زمینه‌های وحدت خویش با یکدیگر کنفرانسیهاشی تشکیل میدهند. کنفرانسیهای "فقرت" "بیرا شهر"، "سرجا لاکار"، "سرجا وه"، "نوبندیان"، "گرم سیت" و... کنفرانسیهای مزبور در جهت حل اختلافات فی ما بینشان برگزار شده چرا که علیرغم وحدت نظر خوانین در زمینه‌های یاد شده آنان دارای اختلاف روش در بر خورده رژیم نیز میباشد. این اختلافات عمدتاً در رابطه با موقعیت منفساوت خوانین (منافع اقتصادی، فطسی، قدرت مانور هر یک) امکانات بهره گیری از ناآگاهیه توده‌ها، امکانات ارتش و گیری با عارج و... و وضعیت رژیم در ترواحی مختلف منطقه (۱۱) قابل توضیح است. بعنوان نمونه در حالیکه خوانینی چون "امان الله مبارکی"، "محمدخان میرلاناوی" و... روشهای غشونت آمیزی در بر خورده رژیم اتخاذ میکنند در همان حال تا حدیکه خوانینی چون خوانین "سرد" (معدن تاریکها) شیوه‌های مسالمت آمیز و مسالحت جو با نه (۱۲) و برخی دیگر هر دو شیوه را دنبال میکنند. (۱۳).

ج. مولویها و نقش آنان در منطقه (☆)

مولویهای مرتجع (۱۲) با خوانین بیوندیهای نزدیکی دارند. اینان که در مناطبات فتوایدالسی - عشیرتی کار جاقین خانها بودند، از لحاظ موقعیت خود در روابط فتوایدالی - عشیرتی تحت سیطره و نفوذ خوانین عمل میکنند. مولویهای مرتجع در چنین سیستمی توده‌ها را به تمکین و فرمانبرداری از خوانین تحت لوای حکم خدا و بر ممدق "و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم" فرا میخوانند. آنان با عمال نفوذ منموی بر توده‌ها، روحیه انفعال و تسلیم - طلبی را در مقابل ما خوانین می پروراندند. خوانین نیز به کمک همین مولویها به چپاول و غارت توده‌های زحمتکش پرداخته و در این رهگذر مولویهای مرتجع و نوگرفت را از اظاف خویش بی نصیب نمی - نادرند. در زمان رژیم سفاک پهلوی مولویهای ذی - خرد و مرتجع چنگی کارگزاران خود را در دست آن بودند.

(☆) - مولوی ملای اهل نیشن میباشد.



آرا هیماشی اول ما مه روز اعدان - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۶

ما غت و نتیجتاً با عتشدید گرایش آنها به تقویست لبرالها و فراق رفتن در کتا و آنان و خوانین میشود پس از قیام حرکت عمومی و کلی مولویهای مرتجع نشان داده است که آنها خوانان تقویست جناح لبرالها در رژیم جمهوری اسلامی بوده و در تضاد با انحصار طلبی حزب جمهوری اسلامی می باشد. انحصار طلبان حزب جمهوری اسلامی با اکتباه اصل نظری امارت بی‌امامت نه تنها در قانون اساسی مذهب رسمی کشور را مذهب شیعه گنجانند بلکه آنکارا در ارگان سراسری خویش یعنی روزنا جمهوری اسلامی به مقدمات اهل تسنن حمله ور شدند به نحوی که بدینال توهینهای بیشماری که "خلال الدین فارسی" در رابطه با مذهب تسنن روا میدارد، "مولوی مدنی" از طرف جاسوسان و روحانیت اهل تسنن منطقه به تهران میروند و ضمن با ربا می نزد آیت

رهبری مولوی عبدالعزیز به دست و پا افتاده و خواهان اخراج دادستان از استان میشود. به معنی اینکه مسه موقعیت قاجا قچیان و خوانین به خطری می افتد. مولوی عبدالعزیز "روایت تهران میشود و از آیت الله - خمینی برای آنها تقاضای سیواها میگردند. داداریکی که پس از قیام دستگیر میشود بدلیل فشارهای قبیلهای و مساطت مولوی عبدالعزیز آزاد میگردد. بطور کلی مولویهای مرتجع در موارد متعدد وحدت منافع خود را با خوانین نشان داده و حفظ میکنند (۱۶) بتدریج پس از قیام وضعیت مولویهای مرتجع برخلاف خوانین نسبتاً تثبیت میگردد. امتیازاتی که در گذشته در دست خوانین بود (از جمله نما بندگی مجلس ویکسری مقامها در سیستم بوروکراسی) به مولویها سپرده میشود. این بدان علت صورت میگردد که با رژیم که خود در جهت با زبازی سرمایه داری وابسته

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

نبرد بلوچ

الله خمینی مسئله فوق را عنوان کرده و خواستار محدود شدن دامنه‌ها میگردید.
اما لیبرالها که در زمان زمازی سرما به داری وابسته دوران پیش خراب بوده و گذشته از آن تا کدی که شده است بر مذهب بنادر زمان زمان تصویر قانون اساسی با بررسی شدن تذهب شیعه مخالفت داشتند. بهر حال با توجه به پیوند تاریخی خوانین و مولویهای مرتجع بلاد شک این امر نیز در گرایش مولویها به جناح لیبرالها نمیتوانست بی تا شکی باشد. بطوریکه مولوی عبدالعزیز نیز ملنا مطرح میکنند که در مجلس خبرگان تنها برادر بی مدعی (لیبرالها) از حق اهل سنتن دفاع کرد (۱۸) و در واقع با انتخاب ریاست جمهوری علیرغم عدم موفقیت رسمی آن در یکی از مساجد مطرح میکنند که "ما به مدنی رای میدهم" (۱۹)

د- سیاست رژیم در برابر ارتجاع معطلی (خوانین و مولویهای مرتجع)

هیئت حاکمه ارتجاعی که مدعی حزبانازی است سرما به داری وابسته ندارد. بنا بر بردار مقابله نوده های زحمتکش قرار داده و به نیروهای ارتجاعی منگی میباشد. برعکس اساسی است که پس از قیام عناصر مزدوری چون چنانها، ظهیرنژادها، غلامی ها و ... ارج و منزلت یافته و مالکیت سرما به داران وابسته "شروع" کرده میشود.

خوانین که از نظر طبقه ای در مقابل توده های زحمتکش قرار داشته و بواسطه بافت عشیرتی منطقه و همکاری نزدیک با مومنی های مرتجع از امکانانی برخوردارند، از جمله نیروهای ارتجاعی هستند که رژیم خواهان همکاری و هیاری با آنان است اما خوانین بسادگی دست ارتجاع حاکم را نمی فترند. آنان با اتکا به موقعیت خویش (سرگردگی عشیرتی) قدرت نظامی، پشتیبانی مولویهای مرتجع و اپوزیسیون ارتجاعی و ... و سبباً نظرداشت فمف رژیم در تثبیت خود، از موضع قدرت پای این اتحادیه مقدس رفته و خواهان امتیازات بیشتری می شوند. بطوریکه در اوایل پس از قیام خوانین ضمن نمایش قدرت خویش علیه رژیم خواهان آزاد شدن بندرچاهها و شده و شعارهای "خودمختاری" (بخوان خان مختاری) و اخراج پاداران را از یک موضع ارتجاعی مطرح می سازند. اما آنچه مسلم است عدم توانایی رژیم در پاسخ گویی به خواسته های فوق مانع از آن نمی گردد که سیاست خود را مبنی بر علنا اتحاد با خوانین و به سرانجام رساندن مذاکرات دنبال نکند. عملکرد و جناح قدرتمند رژیم در اجرای این سیاست عمومی بخوبی گواها این مدعا است. این دو جناح در همین اینکه از برخورد به خوانین حذری نمودند امتیازاتی درخور تحمل خویش را نیز در مورد خوانین برسمیت شناختند (رجوع کنید به پاورقی ۸) (۲۰).

در کتا بر رسمیت شناختن بخشی از حقوق خوانین و دادن امتیازاتی به آنان واقعیت دیگری نیز قابل توجه است. و آن اینکه بهر حال رژیم تلاحی میگرد (ومی کند) قدرت سیاسی - نظامی خود را در منطقه تثبیت کرده و نهاد های ارتجاعی وابسته به خود را همانند

"جامه سیاست شیبا" جهاد سازندگی و ... سازمان دهد این تلاحی رژیم به همراه عدم همکاری کامل منافع خوانین و مولویهای مرتجع در بعد از قیام و محافظه کاری ذاتی این مولویها و خوانین (متعها خوانین "سرحد" بلاشک محدود شدن قدرت ما نور خوانین را به دنبال خواهد داشت (چرا که خوانین حتی الامکان با جلب نظر مولویهای مرتجع و با حداقل بی طرفی با خوانین آنان قادر به اجرای برنامه های خویشند) نتیجه آنکه برآیند مجموعه فاکتورهای فوق قدرت ما نور رژیم را در منطقه نسبت به قبل افزایش میدهد.

ه- اپوزیسیون ارتجاعی و چشم انداز موقعیت آن در منطقه

هما نظری که در قسمتهای قبل توضیح دادیم عوامل متعددی در منطقه به نفع اپوزیسیون ارتجاعی (بمختار اویسی و ... و بخصوص مدنی) عمل کرده و چشم انداز و موقعیت مناسبی را برای آنها فراهم می نماید. این عوامل عبارتند از:

الف: موج ناراضی عمده توده ها و شغرت آنها از رژیم حاکم، بطوریکه این رژیم را به مراتب بدتر از رژیم شاهانند و در مقابل فقر و سیه روزی فعلی شان از این حکومت کینه و نفرت بیشتری دارند تا حکومت وابسته ها.

ب- عقب ماندگی فرهنگی و پائین بودن سطح آگاهی توده ها و اینکه نقش چندانی در مبارزه علیه رژیم شاهانند خود با عت میشود که نقش واقعی خوانین و مولویهای مرتجع و نقش لیبرالیزم و مزدورانی چون بختیار و مدنی را در اغارت و انتشار خود و مبارزه با رژیم درک نکرده و تحت تاثیر تبلیغات زهر آکین رادیوهای امپریالیستی قرار گیرند. این مسئله بخصوص زمانی حاسم میشود که توده ها در نتیجه روزمره زندگی خود با عت استقامت رگانه و بد خلقی رژیم حاکم را با گوشت و پوست خویش لمس می کنند.

ج - زده و پندها و توکر رفتی های مولویهای ذی نفوذ مرتجع با رژیم شاهان و خلفه بیگوشی آنهاست. مولویهای مرتجع عمدتاً به مثابه مزدوران و جاسوسان رژیم در مقابل ما و اکی مداح شاه و ... به تصدیق توده ها مشغول بودند و اکنون رژیم جمهوری اسلامی برای گسترش نفوذ خویش در منطقه مولویها را بآبادان مستعری و ... نقطه اتکا خویش قرار داده است. به این جهت سوابق مولویهای مرتجع و چا کر رفتی آنها در گذشته و حال نمیتوانند با لقمه غطری برای رژیم شاهان بدبختی که آنها را طلبی مذهبی حزب جمهوری اسلامی و ... نیز مولویها را به خوانین و لیبرالها نزدیکتر میکنند. اگر به این مسائل پیوند دهیم و متذکر مشترک مولویها را با خوانین نیز بنویسیم از اتم اخوت روشنتر میشود که مولویها نیز با لقمه سرپل نفوذی اپوزیسیون ارتجاعی به حساب می آیند. برای نمونه حمایت مولویها از مدنی در انتخابات ریاست جمهوری توجه شود.

د - ناراضی شدید خوانین و سرداران مزدوران رژیم حاکم و گرایش آنها به دیگر نیروهای ارتجاعی مخالف رژیم. خوانین که از قدرت و نفوذ گذشته خود بر توده ها بر خود ابر تهنیتند و از امتیازات مهم گذشته خود محروم گشته اند

و بسادگی سرما زگاری با رژیم شاهان را در مهمترین سرما بیل با لقمه و با لقمه برای نفوذ اپوزیسیون ارتجاعی در منطقه بشمار می آیند. لطمه شدیدی که به سرما به خوانین در منطقه وارد شده و عدم توانایی رژیم در تأمین منافع آنها زمینه مبنی شامل خوانین را به امپریالیستها، مزدوران آنها فراهم میکند. علاوه بر این موقعیت انگلی و بورژوازیک خا شها و روابط امپریالیستی آنها با رژیم های ارتجاعی منطقه و ... باعث میشود که آنها فاقد انگیزه های تا سونا لیستی گشته و به راحتی به مزدوری نیروهای ارتجاعی مخالف تبدیلند.

ه - در این میان موقعیت مدنی از ویژگیها شم نیز برخوردار است و ارتباط و پیوندی وی با خوانین کرمان و سیوم بلوچستان و اینکه خوانین بخوبی با عت شی ارتجاعی وی ما نوس بوده و از نظرداشت منافع شان توسط وی مطمئن میباشد. اتفاقاً هم مولویها مرتجع ما مدنی و اطمینانی که به وی در رابطه با منافع شان دارند ... از جمله عواملی هستند که اسکاسیاد مناسبی برای نفوذ مدنی در منطقه بشمار می آیند. لطمه عوامل فوق این نتیجه بدست میاید که منطقه بلوچستان در مجموع یکی از مناطقی است که امپریالیستها و شورگرا نشان روی آن حساب با میکنند و خود این سکن نیز به عنوان مانعی بر سر راه سازش رژیم با خوانین بشمار آید و احتمال درگیری خوانین را با رژیم بسیار بالا میبرد. در گذشته سگرات اخبار رضا سها ی خوانین با سلطان قاسمی رژیم مدنی عراقی مدنی و ... در منطقه منتشر کرده است. هم ما اکنون نیز خبرها پس از رضا ط گیری خوانین ما بختیار و سیرد.

و- موقعیت کنونی دو قطب ارتجاع، روند و چشم انداز آتی منطقه

بر اساس آنچه در فوق بدان اشاره کردیم، دستا گروک رژیم اکنون نسبت به گذشته گسترده تر و قوت گشته است. خوانین و مولویهای مرتجع بکجا رچی هما هنگی سابق خود را تا حدودی از دست داده اند. و عین حال خوانین بیش از پیش به اپوزیسیون ارتجاعی نزدیکتر شده اند. گذشته از همه اینها، در حدود افسر و نیروهای انقلابی و سوزیه کمونیستها و رشد آگاهی نسبت توده های زحمتکش چیزیست که بیش از گذشته هر دو قطب ارتجاع را تهدید میکند. در چنین شرایطی حزب جمهور اسلامی که از مگانات عوام فریبی بیشتری نسبت به حریف خود در حکومت (لیبرالها) برخوردار میباشد ابتدا به رعمل را در دست گرفته و با یاری طلبیدن شراب نسبتاً مساعد (همچون پیژاری نسبی توده ها از خوانین و ... تلاحی خویش را با ما نوره های خاص خود بر وی و عمل با خوانین و با منفرد کردن آنان آغاز کرده است. شما رژیم برغان - همان خانی که تا دیروز وجود خارجی نداشت - با هدف مجاب سازی و ایجاد زمینه سازش با ارتجاع مدنی و با کتا زدن آنان علم میشود. عسا بورران دیروزی، کسانی که تا دیروز به سطح کسره خا شها علیه توده ها پرده خند، اکنون ضدان شده و شعار خدعانی میدهند. ولی ما هیت سیلت امپریالیست جمهوری

نبرد بلوچ

بعضی از خوانین و از جمله خوانین طایفه ریگی گرفته شده و پس آن مدتی به خانها اطمینان میدهند که ناراحت نباشند و خود را آماده کنند که عمر رژیم جمهوری اسلامی بزودی بسرخواهد آمد و...

نیروهای انقلابی!

وزمندگان کمونیست!

روند جنگ داخلی در این منطقه صحت وجود مسئله ملی، شکل ویژه ملی - طبقاتی خویش را دارا است. علاوه بر این و بویژه جنب حکم میکند که سرخ با سی جنگ داخلی و اروپا روشی مستقیم قطب انقلاب و ارتجاع در این منطقه به حساب آید. تریب به یقین از جنگ بین دو قطب ارتجاع (ارتجاع محلی و رژیم حاکم) گذر کند. در این میان دامنه وظایف نیروهای انقلابی و فسادار سرختر زحمتکاران هر چه گسترده تر میشود. سیما بست که در ضمن تبلیغ و ترویج خویش زمینه های وقوع این درگیری را گنجانده و خود را نسبت بدان آگاه ساخت. سیما بست که سیاست دموکراتیک و سیمپل و کتاریا را به اشکال مختلف به میان آورده و آنان را از در غلطیدن بدام آورده و فریبهای رژیم حاکم و ارتجاع محلی بر خردا شد. اصولاً جنگ بین مرتجعین سیما بست و فسادار بلوچ جنگی است که در این جنگ تحمیلی نثارند. از اینرو وظیفه خطیر نیروهای انقلابی و کمونیست ضمن آگاه سازی بوده ها، بهره برداری مستقیم از این درگیری برای تسخیر این منطقه و آماده نمودن خود را برای رویارویی با ارتجاع (اعم از ارتجاع محلی و حاکم) و در نتیجه تبدیل به جنگی ملی طبقاتی است که در یک طرف آن توده های مستعد و وسیعاً خاسته خلق بلوچ بهرمان انقلابیون و کمونیست ها قرار گیرند و در طرف دیگر آن رژیم فاسق و ارتجاع محلی سیما بست در عمل به توده ها آموزش دهد و سیما بست بگوشت دم توپ ارتجاع

انگاز دیگری است که مانع از آرایش مطلوب و در قیاس با ارتجاع دورتر است فعلی خواهد شد.

۷ - نیروهای انقلابی و کمونیست علیه رژیم حاکم خود در منطقه هنوز آنچنان قوی نیستند که آوازه برای توده های ناراضی آلترا تریوی با شده و شانها ارتجاع - های مختلف و وقت ارتجاع بهره گیری لازم را بسازند. متأسفانه سطح نازل آگاهی توده ها و پیوسته های غیرتاری هراسنا رفاقتی شدید آنها از رژیم حاکم زمینه سازی را برای بهره برداری نیروهای اپوزیسیون ارتجاعی فراهم آورده است.

۸ - اینکه بهر حال رژیم جمهوری اسلامی در چهارب چوب سیاستهای بورژوازی خویش خوانان آن است تا هر چه سریعتر اکتیو خود را در منطقه گسترش داده و تثبیت نماید.

۹ - با توجه به موارد فوق هم منظور که گفتیم جنگ بین دو قطب ارتجاع در منطقه احتمال ترین شق ممکن می باشد. گذشته از این شواهدی نیز در دست است که به سر تشدید این امر گواهی میدهد. از آن جمله اند جلساتی که اخیراً مولویهای مرتجع و خوانین در "کورن سینگل" ویا "شنگوه" قایم داشته اند. با صحبت های مولوی "یار محمد" در محلی که میگوید: "ما باید در مقابل تهاجم آنها رظلمیهای حکومت دست به عمل بزنیم" آنها ما را ساکت دیده اند و هر کار که بخوانند میکنند. دیگر اعتراضی هم برای ما قائل نیستند. ما با بدرا همیشه اعتراضی را ازمان دهیم و مسلحانه جلوی آنها با رستیم تا بدانند که هنوز زنده ایم. با بیستی قدرت خود را نشان دهیم. ... "جائز است اینکه اخیراً مولوی عبدالملک "فرزند مولوی عبدالعزیز" رهبر "زمان اسلامی محمدی اهل سنت" در تماسی غیر مستقیم با برخی نیروهای انقلابی منطقه، خوانان همکاری و "انحاد عمل" علیه رژیم جمهوری اسلامی میگردند!! و با تاسی که در دو دو ما همیشه از طرف مدنی بی

اسلامی، علیه رژیم حاکمها بهوی هوا مغربها نه اش چیزی نیست جز جلب هر چه بیشتر خوانین سفاک فک کار و منزور و ساختن و در موقع تدافعی قرار دادن خوانین مرتجع - تر و در نهایت بازش با بخش هر چه وسیعتر آنها و روسا - روسی با بخش دیگر.

از طرف دیگر اپوزیسیون ارتجاعی اعم از سیما بست و اختیار، اوبسی و... با تیسما ر مدنی که در روابط حسنه ای با خوانین منطقه دارد، با استفاده از نفوذ توده های رژیم و رفاقتی خانها از سیما بستهای هیات حاکمه به تنگنا بر افتاده و از موقعیت خوانین در منطقه برای فتنه روار کردن رژیم تلاش مینمایند.

مجموعه مسائل فوق نشان میدهد که ادامه چنین سیاستهایی به احتمال خیلی زیاد درگیری خونینتر آرزوهای این دو قطب ارتجاع در پی داشته و جنگ بین مرتجعین ناراضی در منطقه تشله و روح خواهد شد. به گمان ما عوامل زیر از جمله مهمترین عوامل هستند که چنین چشم اندازی را در روند آتی منطقه ترسیم می نمایند. واضح است که این عوامل در واقع همان مشکلات و موانع راه سازش دو قطب ارتجاع (ارتجاع محلی و ارتجاع محلی) نیز میباشند.

۱ - نارفاقتی و نفوذ شدید توده ها از رژیم جمهوری اسلامی و تشویشناختن نسبت به آن باعث میشود که رژیم در تلاشی برای گسترش و تثبیت موقعیت خویش از سیما بست توده های برخوردار را نسبتاً خود در نتیجه متواضع خوانین از رژیم بر تروارد و سید و بست کرده و آنها را وادار به پذیرش شرایط دلخواه رژیم ارتجاعی حاکم کند. در واقع این امر در کنار آگاهی توده های خلق بلوچ، برگ برنده ای در دست خوانین مرتجع میباشند تا به سادگی تن به آرایش رژیم بدهند.

۲ - مولویهای مرتجع و خوانین (ارتجاع محلی) هنوز نسبت به رژیم جمهوری اسلامی بی اعتمادند. آنان حتی در صورت تثبیت موقعیت رژیم در منطقه نمیتوانند مطمئن باشند که موقعیتشان حتی در همین حد نیز بر زیر سؤال نخواهد رفت. خوانین به تفنگهایشان اعتماد بیشتری دارند تا به رژیم.

۳ - قول و قرارهای حمایت مادی و نظامی کشور - های ارتجاعی و سایر اسیبستی، علاوه بر وجود دیگر نیرو - های اپوزیسیون ارتجاعی (همانند مدنیها، اختیار - ها و...) و تبلیغات وسیع رادیوئی آنان نقطه انگاز و پشتوانه ای برای خوانین محسوب میشود که به سادگی تن به تاکتیکیهای "حزب جمهوری اسلامی" بدهند و امتیازات بیشتری را طلب کنند.

۴ - بهر حال خوانین امتیازات چشمگیری را از دست داده اند و به این سادگی رژیم نیز قادر نخواهد شد این امتیازات را به آنان بازگرداند. مولویهای مرتجع نیز چندان دلخوشی از انحسار ظلمیهای "حزب" نداشته و هر چه جناح "حزب" در هیئت حاکمه قدرتمندتر میشود و در تماسی تاریکتری برای خود می بیند.

۵ - درگیریهای جناحهای مختلف هیئت حاکمه، نارفاقتی رژیم در تثبیت خود و همچنین نارفاقتی فرا بنده توده های خلق بلوچ، خوانین را به آینه های رویترا میدواریسازد.

۶ - داشتن قدرت بسیج محدود شده های نا آگاه و بیسلسله مولویهای مرتجع و بخشی از خوانین آن نقطه



وضعیت آموزش دانش آموزان بلوچستان - اطراف ایرانشهر -

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

نبرد بلوچ

شبهه شماره ۲۹
تاریخ ۸۹/۵/۱۶

قرار گیرند بیل با بدلوله های تفنگ خویش را در این جنگ بین دو قطب ارتجاع و طرف مرد و قطب بگردد اند. در شرایط کنونی مباحث هر چه گسترده تر به افشاگری جاندار سیاسی از مزدوران امپریالیسم (مختار، اویسی مدنی ...) خوانین، مولوهای مرتجع و رژیم جمهوری اسلامی پرداخت.

با یاد اهداف تبلیغاتی مزدوران امپریالیسم و رادیکالهای امپریالیستی و ارتجاعی آنها را بر مبنای ساخت، با بدلوله ها تا سونالیستی و عوام مغربیه نموده خوانین را در هم ریزد و به یک کلام مباحث است ضمن کنار بیکر در میان زمینکنان بلوچ و آیداهمازی آنها برای مقابله با نیروهای ارتجاعی، نگاه موقوفه - ها و عملکردهای ارتجاع را در منطقه افشا و خنثی کرده و ضمن پیوند جنبش توده های خلق بلوچ با سایر خلقها و جنبش توده های سراسری جامعه موجودات تپیروری توده های سنجک و سرفراری جمهوری دمکراتیک خلق و ملیتهای (کرد، بلوچ، ترکمن ...) خود مختار را فراهم نمائیم.

توطئه های نوم ارتجاع را درهم شکنیم!
مرک بوا امپریالیسم و ارتجاع داخلی!
برقرار باد خود مختاری خلقها در جمهوری دمکراتیک خلق ایران!
ما زمان بیکار در راه آزادی خلقها راگز
تشکیلات بلوچستان (از اتحاد زمینکنان بلوچستان)
۸۹/۵/۱۶

مؤخره

طی مدت زمانی که این نوشته زیرجا بود و از جانب اول خارج شد، اخبار موقتی شما رسیده که نه تنها بیست و بیست ما را از سنی بر روز و اوج گیرند در گبری های بین دو قطب ارتجاع (ارتجاع محلی و ارتجاع حاکم) در منطقه که ملاتذی شدیدی نمود بلکه سرعت و شدت این روند را نیز مشخص تر نشان میدهد.

ما در زیر روش این اخبار را می آوریم تا هر چه بیشتر شده ها را با ایضا در حرکت و روند اوج گیرنده تمام مباحث بین دو قطب ارتجاع آشنا کنیم:

- ۱ - میرعبدی خان سردار زهی و حامی کریم بخش سعیدی هم اکنون در همان سراسری برود.
- ۲ - سیر مولاد سردار زهی در منطقه حضورند و اید و اظا هرا به پاکستان رفته (و شایع است که تا میرد به آمریکا با عراقی مسافرت نموده است). طبق اخبار رسیده فرار است پس از برگشت وی به منطقه در گریهها شسی صورت گیرد.
- ۳ - بعضی از خوانین که در منطقه هستند، منتقل و انتقالاتی را صورت می دهند.
- ۴ - عباسی خان مبارکی محل خود را ترک کرده و به کوه رفته است.
- ۵ - محمدخان همچنان در کوه سراسری برود.
- ۶ - ...

درست همزمان با رسیدن این اخبار بود که خوانین در منطقه جنوبی بلوچستان (محدوده ایران شهر) یک با سکا هرا خلق سلاح کرده و ۸ نفر از اندام و ورشس با سکا هرا و جوانان را کشتند. این عمل نیز زمینه ثابت کرد که خوانین چه خواهی برای بلوچستان دیده اند و

چشمه ها شای در دل می پروازند.

★ ★ ★

خواست به موع گیری سیاها ساداران در همین اثناء نیز توجه کنیم.

سیاها ساداران ایران شهر گاه های مبارزه با خوانین را همیشه بر زبان دارد در همین زمینستان اعلامیه ای شدیدالحن صادر کرده و کمونیستها را با آنها مباحث واهی "بریکاشی"، "روسی" و ... بیافش و تا زمانی که پروا از آنها می خواهد که در مناظر سیرای تلوپیزیونی با سیاها شرکت کنند! اگر این حرکت سیاها را در کنار حرکت چند ما پیش آن که ترور و کشته شدن سر بود و در کنار توطئه های فعلیست مدنی بر ترور بعضی دیگر از انقلابیون منطقه قرار دهیم و نیز توجه کنیم که همین چندی قبل آنها با وساطت شیخ توری (نماینده خصنی) و مولوی قمرالدینی "خدا داد سیرلاتاری" را که بدلیل خلق ملاح یک با سکا هرا دستگیر شده بود، آزاد می نمایند (و پس از دستگیری مجدد بدلیل افشاگری "تخاد زمینکنان"، مجدداً نیزوی را آزاد می کنند) روشن میشود که ارتجاع حاکم که سیاها ساداران یکی از ابزارهای سرکوب است تا چه حد در عمل ضد ارتجاع محلی است. این امر همین نشان میدهد که تا کتیک کمونیستها مدنی بر سیاها رزمه مرد و قطب ارتجاع چقدر اصولی و انقلابی است.

یاورقیها

(۱) - واقع است که در منطقه جنبشهای خودبم بودی بصورتی نسبتاً ضعیف و در سطحی پراکنده موجودند. از آنجه مسلم است هنوز جنبشهای خودبم خودی در سطحی متناسب با زمینه تاریخی شده و اوضاع فکالنیسار همیشه توده ها نفع نگرفته است. برآکنندگی و سز و بافت اقتصادی - اجتماعی منطقه و همچنین زمینه های تاریخی متفاوت رشد و تکامل نیروهای مولده در نواحی مختلف همواره عدم انسجام یکسان مناسبات عشیرتی - فئودالی در این نواحی، بناگزی بر توده های زمینکنان خلق بلوچ را در شرایط متفاوت وضعیت ذهنی و اوضاع معیشتی قرار میدهد. از اینرو بر واضح است که این خود و ویژگی در اشکال مبارزات خودبم خودی توده ها و همچنین اشکال مبارزه و تاکتیک نیروهای انقلابی و کمونیست تا شیرخامی خود را می گذارد. ما بررسی دلایل عمده زیربنایی و روشنی این گونه وضعیت توده های زمینکنان منطقه را به زمانی دیگر موکول کرده و در اینجا تنها اشاره ای کافی بود.

(۲) - لازم توضیح است که بین سرداران تلساوت وجود دارد، بطوریکه مناطقی تحت نفوذ سردارها کما ملا یافت عشیرتی دارد و همین دلیل آنان از تفکرتوده شده ای بیشتر نیز بر فرورده اند. مثلاً در ناحیه "سرحد" (بلوچستان شمالی) میتوانیم اظا بده های "اسما عیل زهی"، "بار محمد زهی" و "گمشاد زهی" نام ببریم ولی نواحی تحت نفوذ خوانین دارای بافت فئودالی - عشیرتی است، بطوریکه میتوان گفت که سردارها تنها از قدرت حقوقی عشیرتی برخوردارند اما خوانین علاوه بر این قدرت دارای منافع حقوقی فئودالی نیز میباشند.

(۳) - "خدا داد در یکی (بگذرد) نماینده مجلس در زمان

وزیم تا به بود و در واقعه داد شاه "بمقا سرگرمی رسید.

- "امان الدر یکی" (نماینده مجلس در زمان رژیم شاه بگارسند منعت نفت یکی از شعار تهران)

- "مریم ریگی" "خواهر خدا داد در یکی" (رئیس سازمان زنان استان، با ساواک در رابطه نزدیک بوده و بارها به "پاکستان برای ما عورتها شای از طرف ساواک رفته و رابطه نزدیک با استناداران و مقامات اداری منطقه داشت)

- "تیک محمد بخش" یکی از سران ظالمیسه "اسما عیل زهی" (تبخش) و با سوزنا واک بیرون سرزی بود.

- "ابراهیم خان مبارکی" معاون استناداری در زمان شاه.

- "همین خان مبارکی" نماینده مجلس در زمان شاه.

- "کریم بخش سعیدی" که ۲ دوره نماینده مجلس بود.

- "عباسی خان مبارکی" که چند دوره نماینده مجلس بود.

- "محمد خان سیرلاتاری" که یک دوره نماینده مجلس بود. و ...

(۴) - توضیح اینکه خود ما بعد از قیام بحار گبری کار همیشه خوانین بوده است.

در به ماه ۵۸ "کریم خان سیرلاتاری" نماینده مبارز رفته و از مردم "بحاری" میگوید.

"بهرام خان شیرانی" قبل از درگیری عبدها زاهدان در فوج مبارک گبری مشغول بوده است.

خانهای لاثار "در منطقه لاثار" تحت عنوان "لنگه میخواست" همه را ربا رفته و کمینتا چنانچه رژیم به خواست های ما توجه نکرد، دستا نشیند و مقابلش مقاومت کنیم. از مردم مالیات میگیرند و ...

(۵) - خوانین مکران (بلوچستان جنوبی) عمدتاً در اوراقا چاق بر ما به گذاری نمیکنند ما سر داد و حسابی "سرحد" خود مستقیماً بر ما به گذاری میکنند بطوریکه آنها در نواحی تحت نفوذ خویش از عمده ترین قاچاقچی - ان بشمار میروند.

(۶) - معمولاً خانها و سردارها در طوایف نقش بزرگ و رئیس طایفه را دارند، به همین جهت چنین موقعیستی برای آنان بر ارا اعمالی طایفه بر توده های طوایف را هموار کرده و قدرت و سلطه آنان را بر توده ها بر مسیبت میدهد.

(۷) - بعنوان نمونه برای نشان دادن نفوذ خوانین "سرحد" بر طوایفشان میتوان با این مسئله اشاره کرد که خانهای "سرحد" با توصیه "مولوی عبدالنور" عمده ای از توده های ناگام بلوچ را (بعد از قیام) سراسری جنگ به "افغانستان" گسیل داشته اند.

(۸) - در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۱ "جهان ساز زندگی" در استان "قاروق اعظم" "قاش" با چندین از مزدوران رژیم شاه و از جمله "کریمی" تشکیل جلسه میدهند. در این جلسه "کریمی" پیشنهاد میکند که لپستی از معلمین مبارز منطقه تهیه شوند تا آنان را بزدند. توضیح اینکه "کریمی" "دسپروزش" و در ارتباط نزدیک با "شمس" آبا دی "تکنجه گرسا واک" بوده است.

فیرد بلوچ

امکانات و موقعیت‌های چشمگیر گذشته، در تداوم نمود
صفتا تدبیرا متنا دوفوخوا نین برطوا پشنان لطفه
بزند، از همین رو است که آنان نسبتوا شعراحتنی
به آن تن دهند چرا که سرکردگی عشقوشی خوانین
ارتباط نزدیک با اعتبار و قدرت بورگرا تیکتان دارد
(۱۱) - وضع رژیم جمهوری اسلامی در نواحی مختلف
منطقه ولعنا ط موقعیت و قدرت ملیش بکان نیست،
چگونگی موقعیت رژیم در همین حال که بر حرکت خوانین
تا شهر میگذارد، این امکان را نیز بوجود می آورد تا
رژیم بترا نقد قدرت نهادهای وابسته به خود چون سپاه
با ساداران، جهاد سازندگی و... را با عملکردها شسی
چون تشکیل کلاسهای پدئولوژیک، اردوهای تابستانی
ایجا دخیفقا ن شدید و تبلیغات بی شمار علیه کمونیست
ها و دیگر نیروهای انقلابی، اجرای طرحهای در زمینه
- های اقتصادی (بسیار محدود)، تاحدودی حفظ
نموده و گسترش دهد، رژیم در وضعیت کنونی توانسته
است متعنا از معاتات جوشی و درمواردی حکساری
خوانین سرحد کمال استفاده را در جهت اهداف ضد -
انقلابی خود بسازد، واضح است که این امر نمی تواند
بروردن روبرو شد آگاهی توده های زحمتکش و فعالیت
نیروهای انقلابی تاثیر نداشته باشد.

(۱۲) - تفاد جناح حزب جمهوری اسلامی با جناح
لیبرالها و کوشش در جهت طرد آنها از قدرت (مجلسی،
وزارت...) باعث شده که آنها حتی نماینده هاش را که
از وابستگی خوانین طایفه ریگی بود، نیز از مجلس
اخراج کنند و در نتیجه آنها را نیز مطبوف اپوزیسیون
ارتجاعی و به مقابله با خود بکنانند.

(۱۳) - مثلا در حالیکه بهمن خان با رکزه‌ی "رئیس
طایفه ساوگرمی در حال معاتات با رژیم و بندوبستهای
سیاسی و اداری با آن است، اما ان اله ما وان که از
اقوام نزدیک وی میباشد قبضل و غارت و راهزنی و
درگیری مسلحانه با عوامل رژیم مشغول است، بواسطه
خوانینی چون "گرم بخش سیدی"، "بهرام خان شیرانی"

عمر مولا داد سردار زهی و...
(۱۴) - لازم است آوری است که ما مولویها را یک کسبل
همگون ندانستیم و متقدمیم که آنها منافع مختلف
طبقاتی را همانند روحا نبینیم شیمه مذهب نما نیکمی
میکنند. از اینرو ستور ما از مولویهای مرتجع همان
مولویهای ذینفوذ میباشد که در گذشته و حال در خدمت
رژیمها کم وقت و با دیگر ارتجاعیون قرار داشته اند.
چهارم مولویهای در منطقه هستند که طرفدار و کارگزار
خوانین و نظامیها به اداری وابسته نبوده و خود زحمت
کش و ستم دیده اند. با اینحال واقعیات نشان
داده اند که در این منطقه هیچ جریانیتی که حکایت از
مولویهای مبارز داشته باشد، وجود ندارد. و ما همان -
طور که در گذشته در "نیرد بلوچ" آوردیم شمار "درود سر
مولویهای مبارز" را در این مقطع شعاری انحرافی
و ریزینویستی میدانیم.

(۱۵) - این حزب در زمان "شرفیادامی" و با نام
"احلح المسلمین" جهت مقابله با مبارزات توده های
انقلابی تشکیل گردید و سپس نام احلح المسلمین
بخود گرفت.

(۱۶) - خدمت مولویهای مرتجع به خوانین منطقه فقط
به موازها نبوده بلکه نمیکردند، مواز دسیا و دیگر ریگی نیز
وجود دارد که گوشه ای دیگر از آنان چنین است:
"مولوی عبدالعزیز" طی نامه ای از هتل آریا -
شراپتون به رئیس جمهور مینویسد ضمن آن زخمی
شدن و دستگیری چندتن از خوانین و قاچاقچیان
جیرفت را محکوم میکند.

این امر نیز که شاه "حزب اتحاد المسلمین" در
سراوان "با شرکت "علم خان ابدی" (با رکزه‌ی) و سایر
خوانین تشکیل گردید حکایت از روابط نزدیک خوانین
و مولویهای مرتجع دارد.

در تاریخ ۵۹/۲/۲۶ "خدا داد میر لشاری" خواهر -
زاده "محمد خان و عوامل مزدور و مبارز بدخلع سلاح

تیک محمد شهبخش "با بیوربون موزی ساواک پس
از زبنا م عضو کمیته ما پدر زاهدان بود،
در جریان درگیری "عیدگاه" (زاهدان) "بزدی"
این حامی و هوادار شناخته شده، میر با لیم آریگسا
با خوانین و مولویهای مرتجع تشکیل جلسه میدهند
تا در سور بموا هت "زاهدان" تصمیم گیری کنند ضمنا در
با دگان "خاش" نیز "بزدی" با سرگرد خدا داد ریگی و
عده ای دیگر از وابستگان رژیم شاهنایدیدار و در مسورد
ساثل منطقه مذاکره میکنند.

در تاریخ ۵۸/۸/۲۹ مقارن با درگیری "عیدگاه"
اعضای شورای شهر "خاش" عبارت بودند از "عبدلرحمن
ریگی" "رئیس انجمن شهر فرزند "عبدوغان" "فقیر محمد
ریگی" "رئیس نماون و موروستا ها تاج سیراب خان -
ها شزمهی" (رئیس خدمات آموزش و پرورش، نماینده و
بخندار "نوگ آباد"، "حاج جواغ ریگی"، "مولوی -
ها فظ"، "احمد ریگی".

در تاریخ ۵۸/۹/۱۸ در "ایران شهر" جلسه ای با شرکت
"مولوی فرهادی" با مور سابق ساواک و "بهمن خان -
با رکزه‌ی" (علاء مزمار) و هوران و جماعتی دیگر و شاه
و آتش فروز و غارتگرها زده های ایران شهر در تاریخ
۲۸ بهمن ۵۷) و عده ای دیگر از نما مورتجع تشکیل
سکردند تا برای شهر فرهاد را انتخاب کنند.

در تاریخ ۵۸/۹/۲۰ جلسه ای با شرکت "هوشنگ خان
ریگی" "سراد" "سرگرد خدا داد ریگی" و "اوشیروان
ریگی"، (فرماندها را تسویف و حال خاش) و شهردار
تشکیل میگردد.

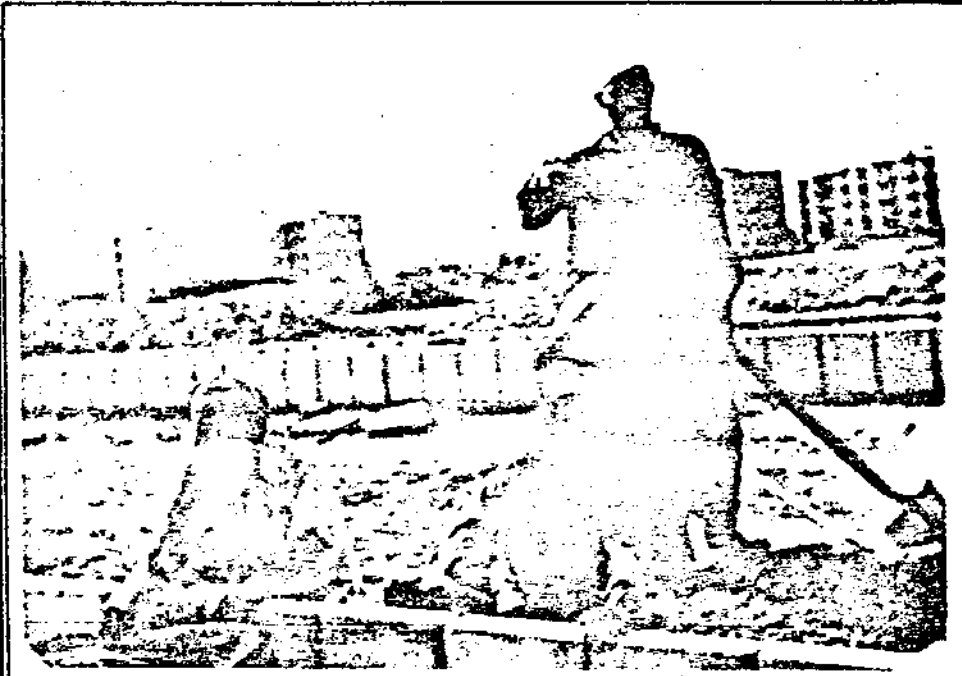
بهمن خان با رکزه‌ی در تاریخ ۵۸/۹/۱۹ در
جلسه ای با شرکت عده ای از مرتجعین دیگر -
دستگیری چند خوان انقلابی را به آنان میدهد.

در تاریخ ۵۹/۲/۲۷ در جریان حمله ارتجاع بسه
داشتگاه، قاچاقچیان مرفوفی چون "حاج علاء احمد"
و "حاجی داد خدا شهبخش" در کنار و پاداران تسرار
داشتند.

با توجه به حمایت رژیم از نیروهای ارتجاعی در
بقیه مناطق ایران چون (کرمان، ترکمن صحرا، ...)
این واقعیت روشن میگردد که این سیاست رژیم تنها
مختص بلوچستان نبوده بلکه سیاست کلی و عمومی
رژیم چنین است، برای ملموس تر شدن این سیاست
رژیم در منطقه ما نمونه ای از عملکرد رژیم در سیستان را
نیز شاهد مثال مینماییم:

در تاریخ ۵۸/۹/۲۰ پس از مراجعت محمد رفاه خان -
پردلی "زیزه" "مبینی" جلسه ای در منزل "حاج آقا -
بزرگ طباطبائی" تشکیل میگردد. در این جلسه
"ابراهیم خان"، "محمد حسین خان ناروشی"، "غلامحیدر
ناروشی"، "حبیب اله سارانی" و "علیقان سارانی"
شرکت داشتند. نامبردگان پس از این نشست معادله
اراضی (بوسیله زحمتکشان) را محکوم مینمایند و به
دتمال آن در تاریخ ۵۸/۹/۲۳ "سید محمد تقی
طباطبائی" (نماینده ما پدر زابل و نماینده فعلی
مجلس شورای اسلامی) را همپای نیروهای متروقی و
مردم علیه خوانین را محکوم میکند.

(۹) - پس از واقعه "عیدگاه" "دکتر بهرامی" بتوصیه و
تاشد خوانین به استناداری سیستان منصوب میگردد
(۱۰) - این امر یعنی برخورد و نبودن از بسفشی



نکن، لوگ، آزاتی

نبرد بلوچ

شماره ۳۹
تاریخ ۵۹/۶/۱۶

اعتیادات گذشته خوانین را بطرداختن داده اند و از هیئت و نیز سازشکاری و دساری سنتی با رژیم از خود نشان میدهد.

رضی "نمایانگر چنین امری است بهر حال میتوان گفت "حزب" موفقیتهاش نیز در این زمینه کس کرده است چرا که تا حدی مولویها ی مرتجع حتی بعضی از

یک با سگه و زاندا رمی کرده بود. اما مولوی قمرالدین و "شیخ نوری" میگویند "محمدخان" دارای با یکسبزه نبوده ای زیاده ای است و دستگیری وی آشوب نیا میکند. سرانجام محکم زادی "خدا داد" موسیله "شیخ نوری" ما در میشود.

بنا ریح ۵۸/۹/۱۵ "کریم بخش سمیدی" در "واسک" اجتماعي تشکیل میدهد و خواستهای خود را مبنی بر "خودمختاری" (بخوان خان مختاری) و... فراشتت و موسیله "مولوی عبدالعزیز" چه "تم" ایصال میکند. مینا "کریم بخش" در همین موقع قول میدهد که آنها را اجتماع کنندگان) از نظر سلاح و پول تامین کند.

(۱۷) - در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۵ کلیه خوانین در "کریم بیست" جلسه ای تشکیل میدهند. در این جلسه "میسر ملا داد" سردار رژیم مطرح میکنند که "مولوی عبدالعزیز" با رژیم سازشکاری و کمال همکاری را دارا دروما نیا باید به رژیم اعتماد کنیم مینا "مولا" "مولوی عبدالعزیز" که قبلا وسیله زادی "خدا داد" در یکی "ویسا مران" کریم بخش سمیدی "بود اکنون حتی در مقابل تعقیب و سر و زبکی از مجلس شورای اسلامی موفقگیری نکرده و شکوت مینماید.

(۱۸) - در اینستا با تریاست جمهوری کمیته تبلیغات بنی مدرسین این گفته "مولوی عبدالعزیز" را که "برادری مندر" حقوق ما در مجلس خبرگان دفاع سوده است روی پلاکارد بزرگ نوشته و بر در و میسوار "زاهدان" چسبانده بودند.

(۱۹) - لازم به تذکر است که در اینستا با تریاست جمهوری "مدنی" بیشترین رای را در این منطقه بخود اختصاص داد. علاوه بر این به استنادی رسیدن "گنتر سهرامی" (وا بسته به مینا "مدنی" و خوانین) پس از واقعه میدان شیرشا هدیه گیری برادری ما مبنی بر تقویت لیبرالها از جانب مولویهای مرتجع است. چرا که همانطور که در همه آشکار است در عقبه میدان مولویهای مرتجع و خوانین یک جناح درگیر در این جنگ بر علیه رژیم بودند. مینا "مدنی" که رابطه ای دیرینه با خوانین و مولویهای مرتجع دارد در اسفند ۵۷ مبلغ حدود ۵۰۰۰۰ تومان به "مولوی عبدالعزیز" و نیز ۵۰۰۰۰ تومان به "مولوی قمرالدین" (در مراسم ختم برادر "مولوی قمرالدین" که در "دامن" "ایران شهر" برپا شده بود) میدهد.

(۲۰) - در اینجا لازم به تذکر است که در جناح قدرتمند رژیم ما کم بلیر نمیکنه مینا بنی بیکان را در منطقه دستمال میکند. اما هر یک از این در جناح در اجرای این سیاست شیوه ها و تاکتیکیهای خاص خود را دارا است. لیبرالها و مینا مرتجع در هیئت ها که به واسطه آنکه از انگیزه بیشتری در شتاب بخشیدن هر چه سریعتر به ساز سازی سیستم سرمایه داری وابسته برخوردارند و نیز به واسطه پیوند و اتکاء کثرت آنان با نهاد های دگم مذهبی عمدتا در این منطقه خوانین اتکاء مینمایند. اما در مقابل "حزب جمهوری اسلامی" بواسطه آنکه یک جا نبه اش بر مذهب مولویها را مورد نظر قرار میدهد و تلاش وی در جلب و تقویت آنان است (بلیر نمیکنه مینا) مولویها خود بواسطه پیوند دیرینه با خوانین و نیز به علت انحصارگرایی "حزب" "لیبرالها" گرایش دارند. پیشبینی مینا در باره آنان وجهه ها و زندگی بران از کابردی "مولوی شهاد" در مقابل "برکت میرزا"



خجسته باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

روز جهانی
همبستگی
کارگران

مبارزه با ایدئولوژی ناسیونالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست